



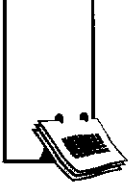
# اسلام نوروز از دیدگاه

احمد محیطی اردکانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تا باد نوروزی وزد، هر ساله اندر بوستان  
 ناز ابر آذاری دمد، رحمان و گل اندر زمین  
 بر دشمنان دولت هر فصل باشد چون خزان  
 بر دوستانت هر مهی بادا چو ماه فروردین  
**عیدهای اسلامی**  
 تا آن جاکه در تاریخ ملت‌های مختلف  
 مشاهده شده و می‌شود، جوامع بشری به  
 تفاوت آداب و رسوم و اعتقادات خود، هر  
 یک، روز یا روزهای خاصی را در سال،  
 جهت یادآوری و تجدید خاطره نسبت به

آمد بهار و بوستان شد رشک فردوس برین  
 گل‌ها شکفته در چمن، چون روی بار نازنین  
 گسترده باد جانفزا، فرش زمرد بی شمر  
 افسانده ابر پُر عطا، بیرون ز حد، در ثمین  
 از ارغوان و یاسمن، طرف چمن شد پریان  
 وز آقحوان و نسترن، سطح دَمَن دیبای چین  
 از لادن و میمون رسد، هر لحظه بوی جانفزا  
 وز سوری و نعمان وزد، هر دم شمیم عنبرین  
 از سنبل و نرگس، جهان باشد به مانند جهان  
 وز سوسن و نسرین، زمین چون روضه خلد برین



موضوعات ویژه‌ای که در تاریخ و فرهنگ آن ملت اهمیت زیادی داشته است، هر سال مراسم ویژه‌ای به آن مناسبت برگزار می‌کرده و آداب و رسوم خاصی را انجام می‌داده‌اند.

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿قال عیسی بن مریم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاؤلنا و آخرنا و آية منك و ارزقنا و انت خیر الرازقین﴾<sup>۲</sup>؛ «عیسی بن مریم عرض کرد: خداوندا! پروردگارا! از آسمان مائده‌ای بر ما بفرست؛ تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه‌ای از تو! و به ما روزی ده و تو بهترین روزی دهندگانی.»

عید از ماده «عود» گرفته شده، به معنی «بازگشت» است. به گفته راجب اصفهانی: «بازگشت به وضعیت مطلوب گذشته است.» به روزهای سرور و شادی نیز گفته می‌شود.<sup>۳</sup>

می‌بیدی می‌گوید: «سَمی العید عیدا لان الله تعالی یعود بالرحمة إلى العبد، والعبد یعود بالطاعة إلى الرب»<sup>۴</sup>؛ عید (بازگشت) بدین سبب عید نامیده شد که: خداوند متعال با رحمت خود به سوی بنده‌اش بر می‌گردد و بنده با فرمانبری به سوی پروردگارش باز می‌گردد.» علامه طباطبایی در ذیل این آیه

می‌فرماید: «خصوصیت عید این است که زمینه وحدت کلمه و تجدید حیات اجتماعی را فراهم ساخته، نشاط و سرزندگی می‌آفریند و هر بار که فرا می‌رسد، عظمت دین را تجدید می‌کند.»<sup>۵</sup>

بدین سبب در اسلام روزهایی عید نامیده شده که همه این خصوصیت‌ها را در بر دارد و در هر یک از آن‌ها به گونه‌ای بازگشت انسان به فطرت توحیدی‌اش مطرح است.

مهمترین اعیاد اسلامی عبارتند از:

اول شوال؛ عید فطر

دهم ذیحجه؛ عید قربان

هیجدهم ذیحجه؛ عید غدیر

جمعه؛ عید محمد ﷺ

بنابراین: «عید، نه جامه رنگارنگ پوشیدن است که این عید کودکان است؛ نه شربت، شیرینی و غذاهای متنوع خوردن که این عید شکمبارگان است؛ نه به سیاحت و تفریح بی‌محتوی پرداختن که این عید ولگردان است؛ نه بی‌بندوباری، هرزگی و عیاشی کردن که این عید بلهوسان است؛ نه قه‌قه خندیدن، هم‌دیگر را به مسخره گرفتن و به بازی روز گذراندن که این عید غافلان است؛ نه تاب خوردن، سبزه رویاندن، سفره هفت سین چیدن و رنج پختن «سمنو» کشیدن که این عید خرافه



پرستان است.

در روایت آمده است که: «هر چیزی را بهاری است ...»<sup>۷</sup>

و عید نوروز، بهار طبیعت است. اگر ما خرافات و نقاط منفی و تاریک را از چهره این عید بزداييم و بگذاريم هم‌رنگ طبیعت با صفا باشد، در دید مکتب نیز عیدی عزیز و ارجمند خواهد بود.

مقام معظم رهبری در جواب سؤالی درباره عید نوروز فرمودند: «اسلام با آداب و سنن ملت‌های مختلف سر جنگ ندارد، گرچه که در اسلام آداب و سنن خاصی هست، هیچ اشکالی ندارد که ملت‌های گوناگون در کنار آداب و سنن اسلامی، آداب و سننی را که از قرن‌ها تجربه یا عادت یا به هر حال از گذشتگان‌شان به ارث برده‌اند، حفظ کنند.

تنها یک شرط باید مورد ملاحظه قرار بگیرد و آن این است که این آداب و سنن ملت‌ها با روح اسلام منافاتی نداشته باشد و هدف‌گیری حرکت اسلامی را مختل نکنند....

می‌دانیم که هدف اصلی اسلام عبارت است: از به کمال رساندن معنوی انسان‌ها که این هم در سایه تحقق یک اجتماع بر معنای توحید، عملی است و لاغیر ....

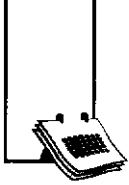
هنر سنتی در جامعه که با این جهت‌گیری مخالفت بکند، با اسلام مخالف

از دیدگاه اسلام هیچ کدام از این‌ها مفهوم عید نیست. عید اسلامی موفقیت در راه انجام وظیفه تطهیر نفس، تصفیة جان و تمرین صبر و استقامت است. چون «عید فطر» پس از ماه مبارک رمضان، عید، گذشتن از امتیازات، رسیدن به هم‌آهنگی و شرکت در وحدت بزرگ اسلامی، شکستن غرور و خودخواهی و ترک ناپرووری‌ها، سایه نشینی‌ها، مشتاقانه ندای حق را لبیک گفتن ... و سرانجام خود را باز یافتن و به خدا رسیدن است. چون «عید اضحی» (عید قربان) پس از دوران سازنده حج.

عید، چون قطره‌ای به دریای جمع پیوستن، از انزوا درآمدن، گسسته‌ها را به هم بستن و صف‌ها به هم پیوستن، پیوند خود را با خدا استوار کردن و دین خود را هر هفته تحکیم بخشیدن است همچون جمعه که «عید محمد ﷺ» است.<sup>۸</sup>

برترین عید روزی است که خداوند متعال نعمتش را بر مسلمانان تمام کرد و ارکان دین را محکم و استوار نمود و رسالت را به امامت پیوست و رهبر آینده مسلمانان را معرفی کرد و فرزند کعبه را بر فراز منبر امامت نشاناد چون هیچ‌دم ذیحجه «عید غدیر خم».

**بهار طبیعت**



گیاهان، سبزه‌ها و درختان، به جنب و جوش آمدن پرندگان و حیوانات، طراوت یافتن باغ‌ها و چمن زارها، باید درس رستاخیز و بازگشت به سوی خدا را آموخت. خداوند متعال می‌فرماید: «زمین را جامد و افسرده و بی‌روح و بی‌جنبش می‌بینی، اما همین‌که آب باران بر آن نازل کنیم، به جنبش و حرکت درآید و فزونی گیرد، و انواع گیاه‌های سرافراز می‌رویند. این از آن جهت است که خدا حق مطلق است و نظام زنده کردن مرده‌ها در قبضه قدرت اوست، و اوست که بر هر چیزی تواناست.»<sup>۱۱</sup>

### نوروز در روایات

با آن که بسیاری از سنت‌های ایرانیان بعد از ظهور اسلام در ایران از بین رفت و سنت‌های اسلامی جای آن‌ها را گرفت، عید نوروز کم و بیش در میان آن‌ها باقی ماند. شاید به خاطر این باشد که در این روز امور معنوی و حوادث مذهبی متعددی به وقوع پیوست که آن را جاودانه ساخت.

است و اسلام آن را قبول نمی‌کند....  
حالا یک ملتی رسمش این است که اول بهار را جشن می‌گیرد و حلول بهار را برای خودش یک روز نو، روز شیرین و روشنی می‌داند، این چه اشکالی دارد؟ نوروز یعنی، روز نو، یعنی، اولین روز سال نو و مبداء سال را هم اول بهار می‌گیرد، این چیزی نیست که اسلام با آن مخالفت کند.<sup>۸</sup>

آری، عید واقعی انسان - که برترین مخلوق الهی و گل سرسبد عالم خلقت است - بازگشت به خویشتن، توجه به مبدأ هستی، تعلیم کتاب سعادتش و در نهایت خود را باز یافتن و به خدا رسیدن است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «تعلّموا القرآن فانه احسن الحدیث و تفقهوا فیه فانه ربیع القلوب ...»<sup>۹</sup> قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است و آن را بفهمید زیرا که بهار دل‌هاست. یعنی، جان و روان انسان با تعلیم عالی الهی شکوفا می‌شود و با عمل به دستورات پروردگار به بار می‌نشیند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «کلّ یوم لایعصی الله فیه فهو یوم عید»<sup>۱۰</sup> هر روزی که خداوند متعال نافرمانی نشود، آن روز عید است.

البته آن گونه که قرآن می‌فرماید: از بهار طبیعت، حیات دوباره یافتن گل‌ها و





حتی بنابر بعضی از روایات، قبل از ظهور اسلام نیز این روز مورد توجه انبیا و اولیای الهی بوده است.<sup>۱۲</sup>

در این جا بعضی از روایات را مورد توجه قرار می‌دهیم.

### ۱- روز پیمان با خدا

علامه سجلی می‌گوید: «در بعضی از کتب معتبره دیدم که معلی بن خنیس می‌گوید: روز نوروز خدمت امام صادق علیه السلام رفتم. پرسید: این روز را می‌شناسی؟ گفتم: روزی است که عجم آن را بزرگ می‌شمرند و در آن به یکدیگر هدیه می‌دهند.

حضرت فرمود: قسم به بیت عتیق که در مکه است. این نیست مگر به جهت موضوعی قدیمی که برای تو تفسیر می‌کنم ... نوروز، روزی است که خداوند از بندگان پیمان گرفت به این که جز او را نپرستند ... و آن از اولین روزی است که خورشید طلوع کرد و بادها وزیدن گرفت و زمین پر از شکوفه شد، سفینه حضرت نوح علیه السلام بر «جودی» قرار گرفت ... و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به اصحاب امر فرمود: با علی علیه السلام به عنوان «امیرالمؤمنین» بیعت کنند ... و هیچ روزی نوروز نیست مگر این که در آن روز ما انتظار فرج داریم، زیرا نوروز از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست، عجم

آن را حفظ کردند و شما آن را ضایع نمودید ... و آن اولین روز سال پارسیان می‌باشد ...»<sup>۱۳</sup>

### ۲- روز ولایت

در بعضی از روایات تحقق حا کمیت حق و ولایت الهی در جامعه مهم‌ترین عید شمرده شده است:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - كَانَتْ تَأْمُرُ الْأَوْصِيَاءَ بِالْيَوْمِ الَّذِي كَانَ يَقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ أَنْ يَتَّخِذَ عِيدًا ...»<sup>۱۴</sup>

سیره انبیا همواره این چنین بوده که به جانشینان خود امر می‌نمودند تا روز تعیین و نصب وصی و جانشین را عید بگیرند. آن گونه که در بعضی از روایات آمده و عده‌ای از علمای بزرگوار تصریح نموده‌اند<sup>۱۵</sup> و در گاهنامه تطبیقی<sup>۱۶</sup> به روشنی مشخص گردیده، روز عید غدیر خم با اول فروردین سال دهم هجری شمسی مطابق بوده است. عید نوروز به برکت ولایت، رنگ الهی به خود گرفت و در بین شیعیان و ایرانیان شهرت و استمرار یافت.

«المعلی بن خنیس عن الصادق علیه السلام: إِنَّ يَوْمَ النَّيْرُوزِ، هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَخَذَ فِيهِ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْعَهْدَ بِغَدِيرِخَمٍ، فَاقْرَأُوا لَهُ بِالْوَلَايَةِ، فَطُوبَى لِمَنْ

ثبت علیها، والویل لمن نکثها ... ۱۷؛  
 نوروز، روزی است که پیامبر ﷺ از مردم  
 برای امیرمؤمنان ﷺ در غدیر خم پیمان  
 ولایت گرفت و مردم به ولایت او اقرار کردند.  
 خوش به حال کسی که بر آن پیمان ثابت  
 بماند. وای بر کسی که آن عهد را بشکند...»  
 با این بیان پاسخ این سؤال که چرا  
 اعراب نوروز را ضایع کردند؟ نیز روشن  
 می شود.

اعراب به پیروی از دستگاه خلافت  
 بنی امیه و بنی عباس چون نوروز را روز  
 ولایت و خلافت الهی می شناختند، سخت  
 کوشیدند که اهمیت این روز را مخفی  
 کرده، ضایع سازند. لذا برای لکه دار کردن  
 نوروز، این روز را از بازمانده های مجوس  
 معرفی کرده اند. تا جایی که می بینیم  
 حضرت امام موسی بن جعفر ﷺ نیز در  
 مقام «تقیه» به منصور دوانقی می فرماید: «...»  
 از رسم های فرس است و اسلام آن را از بین  
 برده است ... ۱۸»

بعضی افراد این روایت را دلیل بر عدم  
 مشروعیت نوروز گرفته اند اما با توجه به  
 روایات معارض، حمل بر تقیه شده است و  
 بهترین دلیل بر عظمت نوروز است و گویای  
 این است که خلفا تا چه اندازه برای از بین  
 بردن نوروز می کوشیده اند و پس از یک دوره  
 تبلیغات خلفا که نوروز کاملاً مسخ و در افکار

عمومی مسلمین از سنت های مجوس  
 معرفی شد، منصور دوانقی حضرت امام  
 موسی بن جعفر ﷺ را در این روز وادار به  
 جلوس می کند تا از طرفی (مانند مأمون)  
 برای خود موفقیت کسب کند و از طرفی  
 حضرت را در معرض اعتراض اعراب قرار  
 دهد.

به هر حال شکی نیست در این که از  
 نظر اهل بیت ﷺ نوروز از روزهای مهم  
 مذهب معرفی شده، تجلیل آن البته با  
 آداب و رسومی که در روایات بیان شده





است، بسیار پسندیده می‌باشد.

### ۳- آداب نوروز

معلی بن خنیس به نقل از امام صادق علیه السلام درباره نوروز می‌گوید: «و اذا كان يوم النوروز فاغتسل والبس انظف ثيابك و تطيب باطيب طيبك و تكون صائما ذلك اليوم...»<sup>۱۹</sup>؛ هنگام نوروز غسل کن، پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بپوش و به خوش‌بوترین عطرهایت خود را خوش‌بو نما و در آن روز، روزه باش.»

در دنبالهٔ روایت، دستور چهار رکعت نماز بعد از اقامهٔ نماز ظهر و عصر، و سجدهٔ شکر و دعای مخصوص در این روز ذکر شده است. که بر عظمت و کرامت و فضیلت نوروز دلالت دارد.

مرحوم شیخ بهایی در جامع عباسی می‌نویسد: «بعد از سلام (نماز) به سجده رود و این دعا را در سجده بخواند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ اسْمَائِكَ وَ رَسَلِكَ اَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ صَلِّ عَلَى ارواحهم و اجسادهم. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَلْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ خَطْرَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيْمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا اشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ، وَ وَسَّعْ عَلَيَّ فِي

### ۲۰- رزقی یا ذا الجلال و الاکرام»

این حدیث مورد استناد بسیاری از فقها برای استحباب غسل و روزه و نماز در روز نوروز قرار گرفته است.

صاحب وسائل الشیعه این روایت را در سه مورد نقل کرده و به آن تمسک نموده است.<sup>۲۱</sup>

صاحب جواهر الکلام همین روایت را از مصباح و مختصر آن نقل کرده و دلیل استحباب این اعمال در روز نوروز دانسته است و فرموده است که غسل کردن در روز نوروز بین علمای متأخرین مشهور می‌باشد بلکه هیچ مخالفی برای این حکم پیدا نکردم.<sup>۲۲</sup>

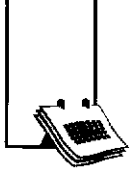
مرحوم علامه مجلسی در زاد المعاد می‌فرماید: «به سندهای معتبر از معلی بن خنیس که از خواص حضرت امام صادق علیه السلام بود (این روایت) منقول است.»<sup>۲۳</sup>

### هدیه نوروزی

ابراهیم کرخی می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مرد ثروتمندی که روز مهرگان یا نوروز، مردم به او هدیه می‌دهند ولی او در عوض، احسانی نمی‌کند سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: آیا آن‌ها اهل نماز هستند؟

گفتم: آری.

فرمود: هدیهٔ آن‌ها را باید بپذیرد و او نیز



تحويل سال دعاهاى گوناگونى نقل شده است.

از آن جمله: این که در وقت تحويل سال این دعا را بسیار بخوانند و بعضى مى گویند ۳۶۶ مرتبه به تعداد روزهاى سال این دعا را تکرار کنند:

«يا مقلب القلوب والابصار، يا مدبر الليل و النهار، يا محول الحول والاحوال  
حوّل حالنا الى احسن الحال»<sup>۲۷</sup>

امام خمینی علیه السلام بعد از قرائت این دعا و تبریک عید سعید نوروز، به همه مسلمانان و ملت شریف ایران فرمودند: «تمام قلوب و تمام ابصار و بصیرت‌ها در دست خدای تبارک و تعالی و ید قدرت اوست، اوست که تدبیر می‌کند جهان را، لیل و نهار را و اوست که قلوب را متحوّل می‌کند و بصیرت‌ها را روشن می‌کند و اوست که حالات انسان را

در مقابل برای آن‌ها هدیه‌ای بفرستد...»<sup>۲۴</sup>  
در روایتی دیگر مى‌خوانیم: «اتى على عليه السلام بهديه النوروز، فقال عليه السلام: ما هذا؟ قالوا: يا اميرالمؤمنين اليوم النوروز، فقال عليه السلام: اصنعوا لنا كل يوم نيروزا؛<sup>۲۵</sup> هدیه نوروزی برای على عليه السلام آورده شد حضرت پرسید: این چیست؟ گفتند: ای امیرمؤمنان! امروز نوروز است.

فرمود: هر روز را برای ما نوروز بسازید. شایان ذکر است که على عليه السلام هدیه نوروزی را قبول کرد و بعد از او از زمان حجاج بن یوسف ثقفی جشن نوروز و مهرگان نزد خلفا و رجال حکومتی و عامه مردم به طور یکسان رسمیت یافت.<sup>۲۶</sup>

### دعای تحويل سال

در کتب ادعیه برای روز نوروز و هنگام

پرتال جامع علوم انسانی







## پی نوشت‌ها:

- ۱- دیوان امام خمینی علیه السلام، ص ۲۵۸ تا ۲۶۲.
- حضرت امام خمینی علیه السلام این قصیده ۴۶ بیتی خود را که معروف به «قصیده بهاربه انتظار» است در ایامی سروده‌اند که تولد منجی عالم بشریت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف با عید نوروز مصادف بوده است. و چند بیت از آن در این جا آورده شد.
- ۲- مانده/۱۱۴.
- ۳- مفردات راغب، ص ۳۶۴.
- ۴- کشف الاسرار، میبدی، ج ۳، صص ۲۷۳ و ۲۷۴.
- ۵- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۶ ص ۲۵۲.
- ۶- پیام انقلاب، ش ۲۷، اسفند ۱۳۵۹، ص ۶۸، از مقاله «حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین بهجتی شفق» امام جمعه اردکان.
- ۷- اصول کافی، کلینی علیه السلام ترجمه رسولی محلاتی، ج ۴، ص ۴۳۸، قال الباقر علیه السلام: لکل شیء ربیع ...
- ۸- روزنامه جمهوری اسلامی، صبح پنجشنبه، ویژه نوروز، ۱۳۶۱، ص ۵.
- ۹- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۶.
- ۱۰- نهج البلاغه، سیدرضی، ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۴۲۰.
- ۱۱- حج/۵.
- ۱۲- ر، ک، به النوروز فی مصادر الفقه والحديث، مرکز المعجم الفقهي، صص ۳۶ و ۲۴ و بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۹۱ و ۹۲.
- ۱۳- بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۹۱ و ۹۲ و مستدرک الوسائل- طبع جدید، ج ۶ ص ۳۵۲.
- ۱۴- الفروع فی الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۱۴۹.
- ۱۵- ر، ک. به النوروز، صص ۱۷ و ۱۸ به نقل از کشف اللثام، ج ۱، ص ۱۱ و جواهر الکلام، شیخ محمدحسن نجفی، ج ۵ ص ۴۳ و بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۱۱۹ و ۱۲۳.
- ۱۶- گاهنامه تطبیقی سه‌هزار ساله، احمد بیرشک، ص ۶۰.
- ۱۷- بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۱۱۹.
- ۱۸- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، صص ۳۱۸ و ۳۱۹، حکي ان المنصور تقدم الى موسى

متحول می‌کند و ما آن را در ملت عزیز خودمان در زن و مرد، در کوچک و بزرگ یافتیم، این تقلیب قلوب که قلب‌ها را از آمال دنیوی و از چیزهایی که در طبیعت است بریده بشود و به حق تعالی پیوسته بشود و بصیرت‌ها روشن بشود و صلاح و فساد خودشان را به وسیله بصیرت بفهمند، در ملت ما بحمدالله تا حدود چشمگیری حاصل شده است و من امیدوارم که در این سال جدید به اعلا مرتبت خودش برسد»<sup>۲۸</sup>

بن جعفر بالجلوس للتهنية في يوم النيروز و قبض ما يحمله اليه. فقال انى قد فتشت الاخبار عن جدى رسول الله ﷺ فلم اجد لهذا العيد خيرا. و انه سنة الفرس و محاها الاسلام و معاذ الله ان نحى ما محاها الاسلام، فقال المنصور: انما نفعل هذا سياسة للجدد فسألتك بالله العظيم الاجلست، فجلس.

مرحوم شيخ انصارى رحمته الله در كتاب طهارت، ص ۳۲۸ و صاحب جواهر الكلام در جلد ۵، ص ۴۲ م گوید: اين روايت را بايد حمل بر «تقيه» نمود و يا اين كه اين روز، عيد نوروز ديگرى است. و روايات معلى بن خنيس را به علت شهرت بيشترش اختيار نمود. بعضى از علمائى ديگر نيز چنين عقیده دارند. رك: النوروز، ص ۲۴ و بحار الانوار، ج ۵۹، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۱۹ - وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۲۸۸، باب ۴۸، حديث ۱.

۲۰ - النوروز، ص ۱۶ از جامع عباسى، ص ۷۸.

۲۱ - رك. وسائل الشيعه، شيخ حز عاملى، ج ۲، ص ۹۶۰، ج ۵، ص ۲۸۸ و ج ۷، ص ۳۳۶.

۲۲ - جواهر الكلام، محمدحسن نجفى، ج ۵، ص ۴۱.

۲۳ - زاد المعاد، علامه مجلسى، ص ۵۷۳.

۲۴ - تهذيب الاحكام، شيخ طوسى، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۱۱۰۸ و فروع كافى، ج ۵، ص ۱۴۱.

۲۵ - وسائل الشيعه، شيخ حز عاملى، ج ۱۲، ص ۲۱۴، باب ۸۸، ح ۱۴.

۲۶ - بزرگداشتها در اسلام، سيد جعفر مرتضى عاملى، ترجمه محمد سپهرى، ص ۱۵۵.

۲۷ - مفاتيح الجنان، محدث قمى، با ترجمه، ص ۶۰۴ و زاد المعاد، علامه مجلسى رحمته الله، ص ۵۷۵.

۲۸ - صحيفه نور، چاپ وزارت ارشاد اسلامى، ج ۱۶، ص ۸۷ از پيام راديو تلويزيونى امام خمينى رحمته الله به مناسبت فرا رسيدن سال نو، ۶۱/۱/۱.

